

غارت

اتلاف اموال و محصولات غیر با قهر و غلبه.
پښتو: [غارت]

غدر

اخذ تکت پولی یا مصارف بیشتر از حد قانونی آن از طرف مؤظفین خدمات عامه.
پښتو: [غدر]

غاصب

شخصی که ملک، دارایی و یا حقوق غیر را بدون مجوز شرعی و قانونی به طور علنی طوری در تصرف خود قرار دهد که تصرف مالک منقطع شده باشد.
پښتو: [غاصب]

غرامت

آنچه که از بابت جبران خساره (اعم از نقدی و غیر نقدی) پرداخته میشود.
پښتو: [غرامت]

غرامت جنگی

پرداختن وجوه مالی که کشور متجاوز طبق قوانین بین المللی، به منظور اعاده تجاوز به کشور مورد تجاوز می پردازد.
پښتو: [جنگی غرامت]

غایب

بطور عام شخصی که در عدم حضورش، برخی از حقوق و وجایب وی اجراء شده نمیتواند.
پښتو: [غایب]

غرر

فریب دادن شخص، حین انعقاد عقد برفع فریب دهنده.
پښتو: [غرر]

غایب محاکماتی

کسیکه در جلسات قضایی محکمه در برابر طرف دعوی و یا هیئت قضایی حاضر نباشد.
پښتو: [محاکماتی غایب]

غرق

داخل شدن آب به داخل مجرای تنفسی که عملیه تنفس را به مشکلات مواجه نموده، سبب مرگ میگردد.
پښتو: [غرق]

غایه

هدف نهایی.
پښتو: [غایه]

غرق شده گی

قطع شدن نفس در آب، خواه تمام بدن یا مجاری تنفسی زیر آب قرار گیرد.
پښتو: [دوبدل]

غبین

زیانی که یکی از طرفین حین انعقاد عقد نسبت عدم مهارت متحمل شده و نظر به آن یکنوع عدم تعادل بین وجایب متقابل طرفین عقد بمیان می آید.
پښتو: [غبین]

غرق کاذب

غرق کردن جسد مقتول به منظور اخفای جرم قتل و انحراف ذهن مراجع ذیصلاح از رسیدگی به آن.
پښتو: [نا دښتینی چور]

غبین بسیط

غبنی که در آن تفاوت بین قیمت حقیقی مال، در هنگام عقد و قیمتی که مال بفروش رسیده از پانزده فیصد بیشتر نباشد.
پښتو: [بسیط غبن]

غره

مجازات مالی که فقها آنرا به اندازه هزار دینار میدانند.
پښتو: [غره]

غبین فاحش

ضرری که عرف و عادات تحمل آنرا خلاف عدالت و انصاف دانسته باشد.
پښتو: [فاحش غبن]

غش

ارایه و یا آمیختن اشیای نا کار آمد با مبیعه در عقد بیع.
پښتو: [غش]

غصب

گرفتن مال متقوم و محتوم غیر بطور علنی بدون مجوز قانونی.
پښتو: [غصب]

غصب اسناد

عبارت از گرفتن سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت از راه عنف (اکراه مادی) و یا تهدید (اکراه معنوی).
پښتو: [د اسنادو غصب]

غفلت

اهمال و بی پروائی که منتج به عدم اجرای آنچه شخص مکلف به اجرای آن است میگردد.
پښتو: [غفلت]

غلت

منافعی که در وقت وفات موصی، موجود بوده و یا در مدت حیات موصی له حادث شده باشد.
پښتو: [غلت]

غناى مديون

إعادة وضعیت بهتر مادی شخص قرضدار، که در آن حالت توأن پرداخت دین را دارا میگردد.
پښتو: [د مديون غنا]

غیر محصول

حاصل زراعتی درو نشده.
پښتو: [غیر محصول]